

پنج اقلیم حضور



■ فرهنگ معاصر
۱۳۹۳

این کتاب درباره‌ی رابطه‌ی ایرانیان با پنج شاعر بزرگ زبان و ادب فارسی یعنی فردوسی، مولوی، خیام، حافظ و سعدی نوشته شده است. در این کتاب نویسنده به ویژگی شاعرانگی ایرانیان می‌پردازد و از این زاویه، رابطه‌ی عمیقی را که بین ایرانیان و پنج شاعر بزرگ ایرانی برقرار است، بررسی می‌کند. مطالب این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۸۳ به صورت مقاله در مجله «فرانسوی اتود فیلولوژیک» منتشر شده است.

آمیزش افق‌ها



■ نشر فرزاد روز
۱۳۹۰

کتاب آمیزش افق‌ها برگرفته از چندین و چند کتاب داریوش شایگان است. او که در طول قریب به نیم قرن حضور فعال در عرصه فرهنگی این سرزمین پایه‌های تحولات آن حرکت کرده و مسائلی را مطرح کرده که اکنون می‌توانیم بگوییم مسائل زمانه جامعه ایرانی بوده است؛ جامعه‌ای که در گذار از جهان سنتی به مدرن ناچار به دست‌وپنجه نرم کردن با مسائلی بوده است.

هانری کربن: آفاق تفکر معنوی...



■ نشر فرزاد روز
۱۳۸۰

کتاب هانری کربن: آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی شایگان بازممودی شایان توجه از سیر و سلوک هانری کربن است. مردی که چراغ جادو دارد، لقبی است که داریوش شایگان به هانری کربن داده است. او که عمیقاً با شخصیت و آثار کربن آشنایی دارد، اثری نوآمیه به رشته نگارش درآورده است. این کتاب هم برای آنانی که در طلب آشنایی با آثار کربن هستند و هم برای آنانی که با آثار وی مانوسند، سودمند است.

برای بیان تجربه‌های دیده شده است. چه اینکه «دیدن» برای روشنفکری نظیر شایگان در درجه کانونی‌تری از «اندیشیدن» قرار دارد. شاید به همین خاطر است که کامران فانی خوانش مقاله‌های شایگان را به مثابه مواجهه با یک اثر هنری ارزیابی می‌کند و محمد منصور هاشمی تفکر شایگان را از جنس آفرینش خلاقانه توصیف می‌کند.

دلیل انحصار به فردیت داریوش شایگان در سنت روشنفکری ایرانی به این دلیل است که او نمونه دقیق تجربه زیستن زیر آسمان‌های جهان و بازتاب این تجربه در قالب گفت‌وگو با سنت‌ها و هویت‌های چهل تکه است. روشنفکران ایرانی در مسافرت‌های خویش عاجز از «دیدن» یا توصیف دیدن چیزهایی هستند که چشم شایگان آنها را می‌بیند. علت عمده این تفارق و تمایز را می‌توان در تمایل شایگان به رویت و روبه‌رو ساختن بی‌واسطه خویش با مصادیق فکری، حکمی و هنری سنت‌های تمدنی و عدم توجه روشنفکران معاصر ایرانی به این مهم دانست. به همین دلیل مصطفی ملکیان، شایگان را متفکری می‌داند که بیش از آنکه اهل تبیین باشد، اهل توصیف است. وجه برجسته توصیف در آثار شایگان انکارنشده است.

این ادعا را به راحتی می‌توان با مقایسه تطبیقی تفسیر شایگان از رویت مفردات تمدن‌های بزرگ با تحلیل دیگر روشنفکران از دانسته‌های اکتسابی‌شان در مواجهه با تمدن غربی اثبات کرد. شایگان (در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی) در پی دستیابی به کامیابی غربی در عرصه نظر و عمل از مسیر روشنفکری و انتقال مفردات فکری نیست. او به دنبال بازگویی روند طی شده در تمدن غربی از دالان شعر، هنر و دستاوردهای خلاقانه است. به همین دلیل با شایگان نمی‌توان اجتهاد کرد یا به دستگاه فکری مشخصی دست یافت که با آن دست به نقادی امور پیش‌رو زد. اما با او می‌توان همسفر شد و نکات و نقاطی را دید که از چشم استدلالی پوشیده می‌ماند. این همسفری با او در گذار از تاریخ عرفی به تاریخ قدسی (فراتاریخ) و رویکرد سنت‌گرایانه و دلبستگی معنویت‌گرایانه‌اش در آثار اولیه‌ای که نگاشته است، به خوبی قابل رصد است. جایی که زمینه‌های مشترک تمدن‌های شرقی در برابر تفکر جدید غربی برجسته می‌شود و «آسیا در برابر غرب» به مثابه مشهورترین اثر تالیفی شایگان در این زمینه مطرح می‌شود. زمینه‌ای که باعث نگارش آثار دلنشین دیگری نظیر «هانری کربن؛ آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی» می‌شود. مقاله‌ای که در آن شایگان به بررسی مقایسه‌ای معماری اصفهان سنتی و پاریس مدرن می‌پردازد نیز حاوی بصیرت‌های مهمی است که باید آنها را نشأت‌گرفته از علایق فیلسوف ایرانی به سنت تمدنی و هنری ایران دانست.

نباید جانب احتیاط را نگه‌ناشت و از شایگانی دیگرگونه که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شمسی ایرانیان شناختند، سخن نگفت. شایگانی که کتاب‌های «انقلاب مذهبی چیست؟» و «نگاه شکسته» را با رویکردی نقادانه می‌نویسد و مفهوم ایدئولوژی شدن سنت را به تاریخ مفاهیم می‌افزاید. اما این شایگان دوم، نافی وجود شایگان نخست و لذت بردن از همسفر شدن با آن نیست. با خواندن کتاب «در جست‌وجوی فضاهای گمشده» می‌توانید با شایگان نخست بیشتر آشنا شوید و جهان را در جام جهان‌بین او ببینید.

گند زد!» این پاسخ حاوی یکی از مصرح‌ترین اعترافات از سوی شایگان است که با بازاندیشی رفتار فکری خود به این نتیجه تلخ رسیده است. البته برای فهم بهتر رفتار روشنفکران باید به زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دوره‌ی زیست آنان نیز توجه کرد. اکثر روشنفکران در این سال‌ها یا عضو حزب توده بودند، یا علایق حزبی داشتند یا از اعضای حزب حمایت می‌کردند و با آنها مراد فکری داشتند. با توجه به ارتباط تنگاتنگ حزب توده با اتحاد جماهیر شوروی و نیز وابستگی روحی و فکری روشنفکران به این حزب می‌توان گفت که الگوی روشنفکری در همه سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰، معطوف به چپ‌گرایی بود. چپ‌گرایی که بعدها در زبان و بیان شایگان به چپ‌زدگی تعبیر می‌شود، خود علت بروز مصایب دیگری در تاریخ معاصر ایران شده است. داریوش شایگان ضمن اشاره به عوارضی که مارکسیسم برای نسل او داشت، در یکی از مصاحبه‌های آخر عمرش می‌گوید: «یکی دیگر از آسیب‌های جامعه‌ی ما در آن هنگام چپ‌زدگی شدید بود که با اتفاقات بیست‌وهشتم مرداد هم تشدید شد، و قهرمان‌گرایی بیش از پیش در جامعه فراگیر شد. ما باید گام نهادن در مسیر صنعت و پیشرفت را از مونتاز آغاز می‌کردیم. جالب بود که روشنفکران آن دوره از این مونتاز به بورژوازی کمپرادور یاد می‌کردند. بسیاری از روشنفکران اروپایی نیز چپ‌زده بودند، منتها در آن جا تعادل برقرار بود. ریمون آرونی بود در مقابل سارتر؛ ولی این‌جا ریمون آرونی نبود، کسی جلوی چپ‌ها نبود. ما با اسطوره‌ها زندگی می‌کنیم و این بسیار بد است و یکی از نتایج چپ‌زدگی است.» این چپ‌زدگی پس از کودتای بیست و هشت مرداد، قابله اسطوره‌هایی در لباس روشنفکر شد، که با از میان رفتن امکان نقد آنان توسط مخالفان، به تثبیت الگوی روشنفکری ایدئولوگ، نظیر آنچه در اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت، منجر شد.

اما به هر حال سنت روشنفکری ایرانی بدون شایگان چیزی کم دارد. او نه تنها روشنفکر منحصر به فردی است، که فصلی بدیع در تاریخ روشنفکری معاصر ما نیز هست. چه اینکه او خصلت‌های عمومی روشنفکری نظیر روحیه نقادی، پیگیری مطالبات عمومی یا طرح پرسش‌های زمانه را کمتر پیگیری کرده است و واجد خصیصه‌هایی است که کمتر روشنفکر ایرانی از آنها بهره برده است. شایگان مردی که جهان را گشته است و زیر آسمان‌های آن تجربه اندوخته است، اهل گفت‌وگو است و با سنت‌های تمدنی به گفت‌وگو نشسته است. این گفت‌وگو نیازمند یک سفر دائمی حضوری و حصولی است. او نه تنها چهارگوشه دنیا را گشته است، که در وجود خویش و در سنتی که با آن انس دارد نیز گشت و گذار داشته است. مردی که به قول خودش در پستوی دکان جهان زندگی می‌کند و به مناسبت تفکر شاعرانه‌اش، در جست‌وجوی نقطه ثابت جهان همواره در گردش بوده است. گردش‌هایی که برای او نه تنها خمیرمایه‌های گفت‌وگو با سنت‌های دیگر را فراهم آورده است، که بر غنای دیدگاه او افزوده است. به قول بهاء‌الدین خرمشاهی چشم شایگان به او جام جمی بخشیده است که نظاره‌کننده مینا و عالم خاکی در آن آسان می‌نماید. این نظارت به مدد ذوق توصیفی او تبدیل به گزاره‌هایی می‌شود که همواره در جست‌وجوی فضاهای گمشده

سنت روشنفکری ایرانی بدون شایگان چیزی کم دارد. او نه تنها روشنفکر منحصر به فردی است، که فصلی بدیع در تاریخ روشنفکری معاصر ما نیز هست. چه اینکه او خصلت‌های عمومی روشنفکری نظیر روحیه نقادی، پیگیری مطالبات عمومی یا طرح پرسش‌های زمانه را کمتر پیگیری کرده است و واجد خصیصه‌هایی است که کمتر روشنفکر ایرانی از آنها بهره برده است